

تقویم و مقویم

(قسمت دوم)

" مقویم " بقلم مرحوم سرهنگ میرزا رضاخان افشار با مقدمه و کوشش آقای بهرام خواه و بخط زیبای نستعلیق آقای احمد نجفی زنجانی در سال ۱۳۵۵ از تقویم دردی کشان کذائی در تهران به حلیه طبع آراسته شده است . در پایان مقدمه تذکر داده شده است که تاریخ نشر " مقویم " در سال ۱۳۲۴ هجری قمری همزمان با صدور فرمان مشروطیت در ایران است و از این نظر هم میتوان گفت که قدمش مبارک بوده است (۱) .

" مقویم " هم بهمان قد و قطع و صورت " تقویم " در ۳۲ صفحه خشتی پچاپ رسیده است . در مقدمه میخوانیم که مرحوم سرهنگ میرزا رضاخان افشار ملقب به " مترجم السلطان " از نسل نادرشاه افشار بوده است و باید تصدیق نمود که اگر از نسل چنان دلآوری نبود چگونه میتوانست جرأت نماید که برضد قلاع و استحکامات رزین " تقویم " لشکرکشی نماید . دارای فضایل بسیار بوده و زبانهای متعدد (و از آن جمله زبان سرستانی) میدانسته است و باید دانست آیا مؤلفین " تقویم " که " مقویم " در واقع سایه اوست دارای آن همه فضایل و کمالات بودماند یانه .

در هر صورت چنین مرد دانا و دلآوری که " یکی از بزرگترین لطیفه سنجان و نادره سرایان " هم بوده بمنظور " تفنن ادبی " که " در آن هم خلایقی " عجیب میداشته و " در ریختن جدد در قالب شوخی و مطالبه ید طولائی " داشته " برای تصویر پایه های شعور بزرگان زمان خویش و درجات عقل آنان که بعضاً " هر یک مجموعهای از سفاقت و نادانی میباشد " مقویم " را برشته تحریر درآورده است . خانهاش آبادان که در بازار کوزان خواسته چراغی روشن سازد و الحق که از عهده کار بخوبی برآمده است .

در همان مقدمه بقلم بهرام خواه میخوانیم که مؤلف مقویم " گاه از سلندری قلندران و طهارت اسلام و نجابت پهلو " و " گاه از میرزا قرشمال کاشی یا ورتلگرافخانه " و نیک بودن به منزل اورفتن سخن رانده است که " در آنجا ناموس به باد دادن و بگیر رندان افتادن و به تهمت صاحبخانه و دزدی کمر بند طلا دچار شدن " از رسوم شایع و رایج بشمار میآید .

باز بقلم همین مقدمه نویس نکته سنج میخوانیم که صاحب " مقویم " کذائی " از غربزدگی ها و تقلیدهای کورکورانه فرنگی ما بها سخن میگوید .

این مقدمه مفصل است و مقدمه نویس که خود صاحب علم و قلم است و نوشته است که نسبش به خواه حافظ شیرازی میرسد از عهده معرفی " مقویم " و مؤلفش بخوبی برآمده و قسمت عمده

نگات و مطالبی را که راقم این سطور باید بعرض برساند بازبان فصیح و رسائی بیان فرموده و کار مرا آسان ساخته است. ولی باز هم گفتنی کم نیست اینک بذکر پارهای از آن مبادرت می‌رود.

در همان صفحه اول پس از " هو العظیم الخبیر " مرسوم می‌خوانیم :

" اوضاع کواکب " در این ماه دلالت کند بر سلامتی وجود شهنشاهی (۳) و حلیت آب و حرمت شراب و شیرینی قند و شوری نمک و ترشی سرکه و تلخی تریاک و سختی سنگ و سستی شیشه و سردی یخ و گرمی آتش ... "

مؤلف باز هم در دنبال همین معنی سطور چند پشت سرهم آورده است که از ملاحظت و لطف سخن مبلغی می‌کاهد و ما هم از تکرار آن در اینجا خودداری می‌کنیم . سپس دنباله مطلب را گرفته از زبان کواکب و خواص ماهی که مورد صحبت است چنین آورده است که اوضاع کواکب در این ماه دلالت دارد :

" برارزانی بعضی ماکولات مثل غصه و کتک و پشت گردنی و سرما و سکندری و گاوسر و خونابه و شکست مال مردم و کشیدن چند غرقه چند چیز را مثلاً صورت را نقاش و غلیان را (۴) و تریاک و چرس را قلاش و کمان رارستم و نفس را زنده و دراز را مرده و اذان را خروس و وسه را نوعروس و زحمت مفت را اهل کمال و لحاف و ماست را بعضی از اینها زمان الهی آخر . "

از جمله تتبعات دیگر آنکه به ماههای دوازده‌گانه سال ایامی من در آوردی داده از قبیل رجب الثانی و شعبان المرجب و نظیر آن و باز بحکم کواکب برای هر ماهی پیش گوئیهای کرده است چنانکه مثلاً برای ماه رجب الثانی کودنی در آذربایجان و احمقی در خراسان پیش‌بینی شده است و برای ماه شعبان المرجب صباحت مردان و قباخت پیرمردان و کثافت محله جالمیدان و شدت بوسه عشق در بین دواب و خناق گلوی گذر گلوبندک و برای ماه رمضان الحرام از جمله احکام کواکب صداقت اصفهانیان و حلال‌خواری کسبه طهران و جلادت کاشانی و عبادت‌بختیاری و برای ماه شوال (البته پس از سلامتی وجودذی جود علیحضرت همایونی) ارزانی قرمساقی و کسادی بازار زن جلیبی و صحیح نویسی مورخین و منسوخ شدن بوق حمامها و رغبت عجار به نان سنگک و پنیر خیک و رغبت داش مشهد بها به زدن شیشکی و کشیدن چپق و برای ذی‌حجه المظفر (۵) کوچکی نارپستان دوشیزگان اللهم ایزقنا و درستی هندوانه دیار بکر و نیشابور و بی‌اعتنائی تمام کارگزاران دیوان اعلی از رشوه و رسومات و مسهل خوردن پشت بام و اسهال گرفتن ناودان و برای ماه محرم المبارک قحظ مروت و انصاف در جماعت قصاب و جان سفت‌کنند صحاف و طغیان مرض حرص پول در جماعت صراف و احتراز قماربازان از گنجفه و آس و اعتنای زنان کلهر و گوران به مسائل حیض و نفاس ، و هكذا احکامی از همین دست برای ماههای دیگر سال با این تفاوت که مؤلف گاهی بزبان نظم نیز سخن رانده است . چنانکه مثلاً بموجب احکام کواکب راحت بخشیدن وصال لاله‌رخان و لالاخواندن جگرسوخنگان فراق که وصف آنرا مؤلف با این سه بیت نغز حکایت کرده است

ز شب تا صبح بیداریم وهمدم
 من و شمع و ستاره هرسه باهم
 تواندر رختخواب، ای سروبالا
 من از دوریت بخوانم ذکرلالا
 بخواب آمد بسر شیرین زبانم
 شرر خیزد ز چشمانت به جانم

که الحق از نوع اشعار معروف به "بندتنبانی" بهش نیست و از همان زمره شعرهایی است که عده‌ها بالنسبه زیادی از هموطنان ما با سرودن آن خود را شاعر قلمداد میکنند.

باید دانست که گاهی هم معنی پاره‌ای از این احکام ستارگان در بطن شاعر میماند و بسر خواننده مجهول میماند و از آن جمله است مثلا "در ماه ربیع النشاط" ملتفت شدن قنبرهمدانی دودکل حسن را "و" در سلک وزرا داخل شدن میرزا منعم خان گرنامه به توبه کردن میرزا وسعت وقایع نگار از قماربازی و نماز جماعت رفتن لاله باشی (۶) و امانت میرزا محمد حشمت ملقب به "خدا" و وفور شیطان خیالی و قلت افاده، میرزا عبرةالله احکام نگار خلخالی و نفرت آقا سید علی قمی از وکالت شرعیه و مقبولی میرزا احمد عکاس و فارغ التحصیل شدن عزیز بیک گراز مشق اطریش و فتوت ذوالریاستین همدانی و تقلید او در سخاوت از حاجی سنجرالذوله اصفهانی که لابد اشاره به کسان و وقایعی است که در زمان مؤلف معلوم و معروف بودماندوگمان نمیرود که امروز دیگر کسی از هموطنان بتواند از آن خبر صحیحی بدهد.

مؤلف در کار تعیین ایام و ساعات سعد و نحس هم تقلید از متقدمین فن شریف تقویم نگاری کرده است چنانکه فی المثل برای روزهای معینی احکام ذیل را صادر کرده است.

— "بد است خواندن نماز و اقدام بحسنات و شکر نعمت را".

— "خوب است آمدن باران و بچه زائیدن الی هفده ساعت از روز گذشته و بعد از ظهر ولادت را نشاید".

— "نیک است زردک کاشتن و خمره بافتن و باغ دوختن..."

— "بجز تزویر (۷) و فتوای ناحق دادن و مال مردم خوری امری مناسب نیست".

— "از ایام منحوسه است و بجز ترب خوردن نزدیک خیابان محله شغال آباد"

— "چون منزل قمر در برج پلنگ است چهار ساعت از شب گذشته از کنار خندق پشت‌خانه و کیل"

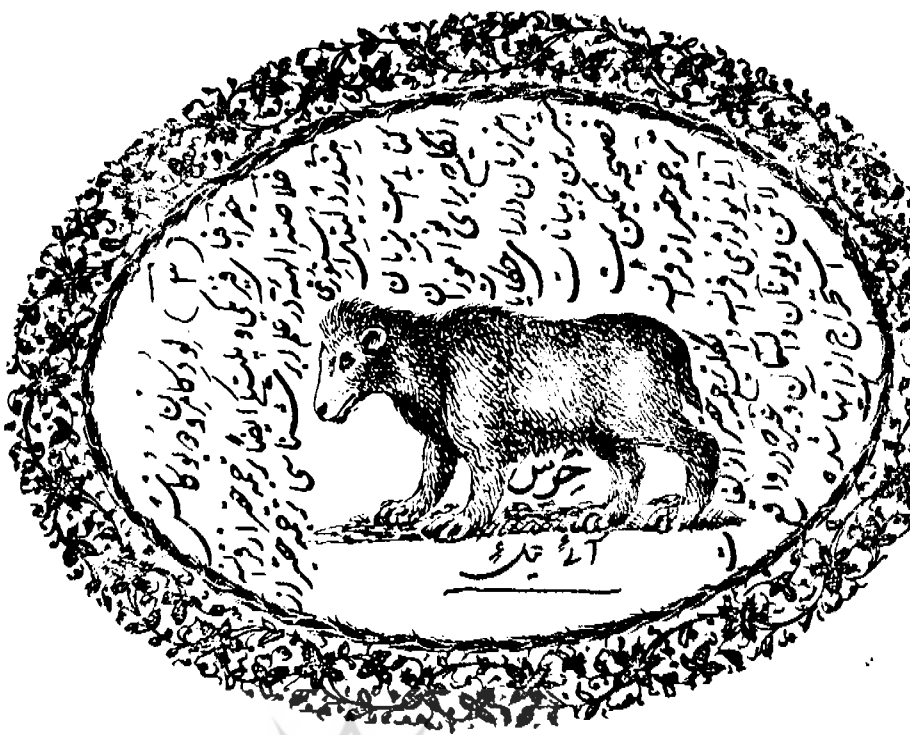
الملك بی چوبدستی گذشتن و گیر سگهای میدان افتادن بسیار خوب است."

— "بجز فسق و فجور و روزه خوردن بطریق مخفی کاری را نشاید"

— "نیک است در گوشه مسجد شاه با جمعی از مردم مهمل نشتن و عرفان بافتن را."

— "نیک است عقل معاش پیدا کردن و اقدام در ملازمت سلطانی را."

چنانکه ملاحظه میفرمائید با آنکه در سراسر "مقویم" اشارت و کنایاتی دیده میشود کسـه



بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات

بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات
بزرگان در راه حیات

روز	ماه	سال
بدر ایماه در ظهر روز چهارشنبه از دهه هفتم گردن کلفت نماید		
بگت نهار خوردن از دهه ششم و هفتم از ایام است و در ساعت از روز گذشته		

دلالت بر آزادمنشی مؤلف دارد ولی باز طبیعت ثانوی کار خود را کرده است بدین معنی که گاهی در ضمن کلام از دهان سرهنگ میرزا رضاخان افشار مترجم السلطان عبارتهائی هم از نوع ذیل دیده میشود:

— " به پناه حضرت سلطان گریختن و از آن حضرت چاره جستن را شاید "

— " چاره وصال را موقوف به لطف عمیم حضرت شاه دانستن "

— " اقدام در ملازمت سلطانی را نیک است "

— " قدر مجهول خود را معلوم ساختن و استدعای مرتبه و وظیفه جهت خود نمودن را نیک است "

— " نیک است اعراض از مهملات و بدعای اعلی حضرت شاهنشاهی عاقبت به خیر شدن و عرض

این رباعی را :

پهوسته شها جهان به کامت بادا

انجم به سعادت و دوامت بادا

تادهر بود هر آنچه در کان ویم است

مصرف شده در روز سلامت بادا "

از اینها گذشته مؤلف با فضل و کمال " تقویم " که الحق در ادبیات فارسی گمان نمیرود سابقه و نظیری داشته باشد و در پشت جلد کتاب خود تالیفات دهگانه خود را که از آن جمله است " نزهت العارفین " مشتمل بر ادعیه محض سلامتی اعلی حضرت شهرپاری ارواحنا لالفداء واتی مولسوزی فرانسه استخراج حقیر از زبان عربی و فارسی و لاتین و یونان و غیره شمرده و نام برده است در پایان کتاب " مقویم " خطاب به شاهنشاه خود را داعی دولت خوانده و توضیح داده است که نواده مرحوم عسکرخان و اولاد اسدالله خان سرتیپ توپخانه است و با وجود این مورد هیچ گونه التفاتی نشده و از مواجب و رسوم و مراسم عامه خسروانی بهره و حصه ندارم ، الی آخر . اکنون میرسیم به قسمت تاریخی مقویم . چنانکه درباره " تقویم " در نخستین قسمت مقاله دیده شد هر تقویمی یک قسمت تاریخی هم داشت و منجم (گویا باز به حکم کواکب و ثوابت و سیارات) تاریخ درست و دقیق وقایع مهم دنیا را هم در کتاب خود معین مینمود . " مقویم " از این قاعده مستثنی نیست و اینک باره ای از این وقایع را در اینجا می آوریم تا هر چند اندکی است از بسیار قدر و قیمت این گونه استخراجات علمی بر خوانندگان پنهان نماند .

ولادت حسین کرد - وفات پدر عیسی - امر شیرین مر فرهاد را در کندن بیستون - وفات اشعث طماع - مکلف شدن جبرائیل - قلب الاسد زمستان - لیلة الجماع - اختراع تاپو - آمدن هاروت و ماروت بزمین بابل - شیوع مردبازی - اختراع لولهنگ - و غیره و غیره .

پس معلوم شد که " مقویم " هم مانند کتاب مستطاب " کلثوم ننه " از امهات تألیفات هموطنان است و ما ایرانیان ، از کوچک و بزرگ و دارا و ندار باید در حفظ و صیانت آن نهایت کوشش را مبذول داریم .

حاشیه های مقاله.

- (۱) ناگفته نماند که در صفحه "آخر" مقوم " تاریخ طبع ۱۳۲۴ و محل طبع را دارالطباعه " (متن اصلی "دارطباعه") استاد ماهر میرزا علی اصغر معین شده است و در این مورد هم مانند ن همه موارد دیگر در کشور ایران باید گفت "والله اعلم".
- (۲) آی بقریان زبانت که سربى ترس داری و از کلام معجزه آسای "حرف حق نزن سرت را می برند" بیم و حشمتی به خود را انداد های، خداوند امثال ترا یاد کند. آمین.
- (۳) چنانچه به مجلداتی از "تقوم" های خودمانی مراجعه شود خواهیم دید که منجم حتی در ماهیابی هم که پادشاهان و شهنشاهان جان به جان آفرین تسلیم کردند و به اصطلاح عوام "..... آخرین داده اند باز مرتباً همین مزده سلامتی ذات شهنشاهی به کافه مردم کشور داده شده است شکر روردگار را بجا آورند که سایه خدائی را بر سر دارند و از سرکت وجود اوز "گرگ و گوسفند" یا هم نقد اخوت و بسته و چون شکر و سرکه انگین وحدت و مودت را در جوی سعادت تمدنی ملک و ملت وان ساختند، (۴) هکذا فی المتن.
- (۵) کذا فی الاصل بقول فضلاى چنانی.
- (۶) ما امروز میدانیم که مؤلف دانشمند "مجمع الفصحاء" از دودمان معروف هدایتها و به لله باشی معروف بوده است.
- (۷) کلمه "تزیور در متن به صورت "تذویر" نوشته شده است و لابد اگر مؤلف خدا بیا مرز زنده بود قصیر را بگردن حروف چین مطبوعه می انداخت.

دوره صحافی شده سال ۱۳۶۱

کسانی که علاقه مندند دوره سال ۱۳۶۱ را با تجلید مخصوص
آینده داشته باشند دوره خود را بانضمام مبلغ یک هزار ریال تحویل
نمایند (توسط کتابفروشی تاریخ - خیابان انقلاب - روبروی سینما
دیانا - ساختمان فروردین - طبقه دوم - تلفن ۶۴۶۴۲۶) .